

در دوره‌ی سلجوقی

نقوش ظروف سفالی ایران



و بر روی آن نگاره هایی از نقوش انسان، حیوان، پرندگان و یا مجالسی از حکایات و داستان‌های تاریخی و سرگذشت داستان‌های عاشقانه فارسی ترسیم می‌شود.^۱ سلاطین سلجوقی قرن ۵ و ۶ هجری از حامیان بزرگ هنر

سفالگری بودند و هنرمندان و صاحبان حرفه را در دربارها و مقر حکومت خود در مرو و نیشابور و هرات و ری و اصفهان گردآوردند. در دوره سلجوقی و جانشینان آنان، خوارزمشاهیان، سفالگران ایرانی ظروف عالی می‌ساختند و همین گرایش سلاجقه به هنر و توجه به پروراندن هنرمندان در این عصر سبب شد تا هنرمندان به خلق و آفرینش هنری در تمامی جنبه‌ها علاقه نشان داده و تمام اهتمام خود را در به‌سازی آثار و زیبایی و اجرای طرح‌های عالی به کار بندند که خود سبب اعتلای تقریباً همه هنرها و فنون در این زمان شد. از طرفی هنرمندان برای جلب توجه امیران، با به‌کارگیری و تنوع در رنگ‌ها و ظرافت در نقش‌ها و نشان دادن امیری در میان باغ و کشیدن نقش آن بر روی سفال و کاشی خاطر آنان را شاد و از این رو حمایت آنان را جلب می‌کردند. بسیاری از طرح‌ها و شیوه‌های قبل از سلجوقی، توسط سفال‌سازان قرن پنجم و ششم هجری تکمیل شد و فنون لعاب جلادار، نقاشی روی لعاب و نقاشی زیر لعاب به یک یا چند رنگ، کنده‌کاری و حکاکی بر روی سفال، برش و مشبک ساختن ظروف گلی پدید آمد.

در این دوره میان شهرها و مراکز سفالگری ارتباطی نزدیک برقرار بود به حدی که می‌توان گفت بین دو شهر کاشان و جرجان میدانه اقتصادی انجام می‌شده است که نمونه‌های سفال شمال شرق ایران در شوش پیدا شده است.

هنرمندان ایرانی که در جمله هنرها سهم به‌سزایی داشتند، با پذیرش دین اسلام و نضج و شکل‌گیری آن، در هنر ایرانی تحولی شگرف به وجود آوردند و علاوه بر نقوش و تزئینات هندسی و اشکال انسان و حیوانات و گیاهان از خطوط در تزئین سفالینه‌ها استفاده کردند که از آن جمله می‌توان به خطوط کوفی - نسخ - نستعلیق - شکسته و تعلیق اشاره کرد.

در این گفتار به کاربرد نقوش به‌طور کلی بر روی ظروف سفالی این دوره پرداخته شده و سپس برخی نقوش بر روی سفال‌های این عصر ارائه شده است. این بررسی در برگزیده‌ی برخی نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی (گل و بوته و طرح‌های اسلیمی و ختایی)، اسفنج‌ها، خط و کتیبه و نقوش هندسی همراه با تصاویر مربوط است که نگارنده به آنها دسترسی داشته است.

دوره سلجوقی یکی از درخشان‌ترین ادوار هنری ایران است، دوره‌ای که در آن هنرهای مختلفی از جمله بافندگی، معماری، فلزکاری و قلمزنی روی فلز، گچ‌بری و به ویژه سفالگری به حد اعلای شکوفایی رسید. استفاده از سفال برای ساخت ظروف بسیار متنوع و زیبا معمول گردید و شهرهایی چون: ری، کاشان، ساوه، نیشابور، سلطان‌آباد، جرجان و موصل گوی سبقت را ربودند. در این میان ری بزرگ‌ترین مرکز سفال‌گری دوره سلجوقی است.

«در دوره‌ی سلجوقی دگرگونی در نقش سفال پدیدار و دیگر نوع نقش سفالگری که از نمونه بارز آن کشیدن نقش در دیواره خارجی ظروف است و زمینه آن را شاخ و برگ و گل‌های زیبا تشکیل می‌داد، رنگ باخته و جای خود را به ساخت ظروف مینایی می‌دهد که عموماً از لعاب سفید رنگ پوشیده شده

کاربرد نقوش بر روی ظروف سفالی:

هنر نگارگری بر روی سفال از زمان‌های بسیار کهن (قبل از اختراع خط که بشر برای رساندن پیام و مفاهیم کلامی خود از آن استفاده می‌نمود و ایده‌های خود را بر روی دیوار غارها و سفال‌ها و سایر اشیاء به نگارش در می‌آورد) آغاز شده و به تدریج در اثر تکامل رشد هنری انسان، در دوران پیش از تاریخ منجر به ایجاد نقوش طبیعت و محیط پیرامون خود بر روی لوحه‌ها شد. از زمان اختراع خط همواره، نگارگری و خط پایه‌ای هم، زمان را سپری کرده و رو به تکامل نهاده‌اند. پس از گسترش دین اسلام از شبه جزیره عربستان به اقصی نقاط جهان، ایرانیان نیز از این نعمت الهی بی‌بهره نماندند و در آرایه‌های خود از ایده‌ها و افکار اسلامی استفاده کرده و با تلفیق آن با آرا و ایده‌های قبل از اسلام به ویژه ساسانیان به هنر نگارگری بر روی سفال جلوه و جلای ویژه بخشیدند.

هنر نگارگری بر روی سفال و تزیین آن در دوره اسلامی به پیشرفت‌های بسیاری دست یافت، «نگارگری بر سفالینه و کاشی در تمام ادوار اسلامی یکی از تزیینات مهم و مورد علاقه سفال‌گران بوده است که زمانی با الهام از عقاید و آرا و گرایش‌های دینی و زمانی تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات شکل گرفته و زیبایی و جلوه‌ی ویژه‌ای به این هنر سنتی ایران بخشیده است».^۲

در اواخر دوره‌ی سلجوقی هنر سفالگری به منتهی درجه رشد خود رسید و ساخت ظروف سفالی با طرح و روش جدید آغاز شد

که از جمله مهم‌ترین آن نوع زرین فام و نقاشی زیر لعاب است که در مراکز سفالگری در نقاط گوناگون به وجود آمد.

در پایان این دوره مناطق سفالگری گذشته، چون کاشان و جرجان به فعالیت بیشتری پرداختند و ارتباط مراکز هنری و سفالگری در این زمان با سایر کشورها به درجه‌ای رسید که سفالگران ایرانی از نوع خاک چینی که از کشور چین وارد می‌شد برای ساخت نوعی از ظروف استفاده می‌کردند. ظروفی که از نظر کیفیت ساخت و طرح و تزیینات با ظروف چینی قابل مقایسه و در مواردی از آنها بهتر بود. به طور کلی نقوش روی ظروف سفالی این دوره را می‌توان به گونه‌های زیر تقسیم کرد:

الف: نقوش انسانی

ب: نقوش حیوانی

ج: نقوش گیاهی و اسفنجکسها

د: خطوط و کتیبه‌ها

ه: نقوش هندسی

نقوش انسانی:

ایرانیان بیشتر از سایر ملل اسلامی تصاویر انسانی را در صنایع و هنرهای خود موضوع تزیینی قرار دادند. این تصاویر صفاتی دارد که ویژه خود آنها است. به عنوان مثال نقاش ایرانی از به تصویر کشیدن آنها منظوری جز توضیح مطلب ندارد. اکثر تصاویر انسانی که در تزیینات هنری ایرانی به کار رفته است، جنبه‌ای از زندگی درباری و یا سلطانی را نشان می‌دهد. نقاشی سلجوقیان از روی نقاشی پیروان مانی اقتباس شده است.^۳

هنرمندان سلجوقی بیشتر از تصاویر و صحنه‌هایی استفاده کرده‌اند که اصل ساسانی دارد و مدت‌ها بر روی ظروف تداوم داشته و تا قرن ششم هجری متداول بوده است، مانند دو حیوان افسانه‌ای بالدار که در میان ترنجی قرار گرفته است.^۴ در ری، سفالگران برای ایجاد نقوش روی ظروف از موضوعات مختلفی که انسان در آن نقش داشت استفاده می‌کردند و در مینیاتورها از موضوعات نقاشی متون ادبیات فارسی برای طراحی روی سفالینه‌ها الهام می‌گرفته‌اند مثل داستان‌های نظامی و شاهنامه .

گاهی نیز نقاشان ترجیح می‌دادند که تزیینات خالص و بدون موضوع باشد، مانند ردیف

سواران کوچک و شکارچیان و شاهزادگان. پوپ در کتاب خود آورده که زندگی با شکوه و متنوع اشعار قدیمی و آداب و رسوم و سنت‌های دیرین که به زمان ساسانیان باز می‌گردد از موضوعاتی است که افکار سفالگران را با نمایش پایان‌ناپذیر این موضوعات پر می‌کند. منظره اسب‌سواران، که در ورزش اسبدوانی شرکت دارند، شکار یوزپلنگ و بازشکاری به وسیله کمان یا نیزه، چوگان‌بازان، ضیافت و مهمانی‌های سلطنتی و شاهان به تخت نشسته که آداب و سنن درباری را بیان می‌کند. شاه به عنوان مردی شجاع، گاه در حال سواری و گاه در مصاحبت با بانویی و نیز به عنوان نوازنده، مرد جنگی و یا در حال قضاوت و صدور حکم و حتی در حال خوشگذرانی نشان داده شده است.

مناظر باغ و گل و گیاه، رقص دراویش، جراحی که در حال فصد کردن بانویی زیباییست که چهره خود را برگردانده و چنگ نواز، سربازان مسلح، نوازنده گیتار و قصه‌پردازان، ابعاد دیگری از زندگی و طبقات گوناگون جامعه آن روز را بیان می‌کند.



گاهی نقش‌های متفاوت در یک‌جا جمع شده‌اند، مانند بشقابی که در مجموعه اسکار رافائل طبیعت را نشان می‌دهد و در آن پرندگان افسانه‌ای، پرندگان شکاری، یوزپلنگ و سایر حیوانات در میان گل و بوته و گیاهان دیده می‌شوند یا صحنه‌هایی از شاهنامه مانند داستان ادبی - تاریخی بهرام گور و آزاده و یا داستان‌های عشقی از اشعار نظامی مانند داستان شیرین و خسرو که آرایش بسیاری از بشقاب‌ها و کاسه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. نگارگری روی ظروف مینایی و نقاشی‌های مینیاتور ایرانی بسیار به هم نزدیک و قابل مقایسه‌اند، از جمله اینکه موضوعات و داستان‌های آنها به هم شباهت دارد، مثل طرح‌های سواران، مرد در حال گفت‌گو، بانوان و معشوقه‌های آنها، شکارچیان و مردان جنگی و غیره و یا شاهزادگان بر تخت نشسته در کنار ملازمان و ندیمان خود نشان داده شده است که در حال نوازندگی و طرب‌اند و یا اسفنج‌هایی که سر و صورتی به شکل انسان و بدن حیوان دارند و تقلید از دوره پیش از اسلام است.

طراحان ظروف سفالی به ویژه ظروف زرین‌فام باید با هنرمندان انواع گوناگون نقوش منسوجات و بافته‌های آن زمان بسیار نزدیک بوده باشند. در امر صورت‌سازی هنرمندان این دوره خود را مقید به پیروی از تعالیم اسلامی دانسته‌اند و شکلی نو به صورت انسان‌های ترسیمی خود داده‌اند. از طریق چهره انسان‌ها متصل بودن هنرها و صنایع به خانقاه‌ها و حکومت‌ها نشانگر نژاد خاص ترک با چشم‌های مورب و یکنواخت و کشیده تا بناگوش حاکمی است که صورت انسان و جزئیات آن مهم نبوده بلکه صحنه‌پردازی کلی و بیان مفهوم واقعه و داستان هدف بوده است. مفاهیم این صحنه‌های انسانی در ارتباط با تاریخ و ادبیات و نجوم و مراسم مذهبی است.^۵ با توجه به موضوعات، نقوش انسانی را می‌توان به چند گروه اصلی تقسیم کرد: ۱- گروه سواران ۲- گروه شاهان و شاهزادگان ۳- انسان‌های نشسته یا ایستاده و در حال گفت‌گو ۴- نقش انسان منفرد در میان گل و بوته‌ها ۵- نقوش ترکیبی.

گروه سواران:

این نقوش بر روی ظروف مختلف چون بشقاب، کاسه، شیرخوری و فنجان دیده می‌شود. انسان‌ها بیشتر اسب سوار و گاهی فیل و شترسوارند. نقش‌ها عموماً دارای حرکتند ولی از صورت انسان‌های سواره چیزی خواننده نمی‌شود و حالتی بی‌تفاوت را نشان می‌دهند.

گروه شاهان و شاهزادگان:

این نقوش اکثراً بر روی کاسه‌ها و بشقاب‌ها نقش شده است. همراهان و ملازمان آنها ایستاده یا نشسته و یا در هر دو حالت نشان داده شده‌اند که اکثراً به کارهای نوازندگی، پذیرایی و بازدن شاهان و یا گفت‌گو با وی مشغول هستند.

نقوش انسانی در حال گفت‌گو:

این نقوش بر روی کاسه‌ها، بشقاب‌ها عموماً مشاهده شده است و نقش انسان در آنها به شکل دو نفر روبه روی هم و یا دسته جمعی در

حاشیه ظروف به صورت دو به دو در حال گفت‌گو به تصویر کشیده شده است. نقش این انسان‌ها اغلب به حالت نشسته و یک مرد با یک زن را نشان می‌دهد و در برخی موارد تشخیص زن از مرد مشکل است زیرا بسیار شبیه به هم کشیده شده‌اند، اما نقش‌ها دارای حالت و گویا هستند.

نقوش انسان تنها:

در این نوع نقش در داخل یا کناره ظرف، یک یا چند نفر به صورت تک چهره که بیشتر در درون شبکه‌ها یا نقوش گیاهی اسلیمی و ختایی محاط هستند، تصویر شده است. مکتب ری در این نقش دارای دو سبک بوده که به روش قدیمی شامل یک نفر تنها بر روی یک سطح بزرگ یا زمینه یکنواخت بوده است، در حالی که در روش دوم، طراح ابتدا سطح را توسط شبکه‌های سفید رنگ بر روی لعاب و یا در پشت ظرف تقسیم و به ندرت خودش را به جزئیات مشغول نموده و تصاویر افراد یا حیوانات را به صورت تک چهره ترسیم کرده است.

نقوش ترکیبی:

این نقوش شامل ترکیبی از چند نوع نقش اعم از سواره و پیاده و نشسته هستند و معمولاً در سطح تقسیم‌بندی شده قرار دارند و هر نقشی توسط نوارهایی تزئینی مثل گل و بوته و یا خط و غیره از دیگری جدا شده که یا به صورت دایره متحدالمرکز و یا در درون خطوط موازی به چشم می‌خورد. گاه تصاویر بیانگر داستان‌های مذهبی، تاریخی و عشقی است.

نقوش حیوانی و اسفنج‌سازها:

اشکال حیوانی همچون نقوش دیگر به همراه مایه تزئین و آرایش سفالینه‌ها شده است. انسان، حیواناتی را که در پیرامون خود دیده و شناخته و با او سرو کار داشته در نقاشی‌های خود به تصویر کشیده است. این نقوش عموماً بر روی ظروف مینایی نقاشی روی لعاب و زیر لعاب در شهر باستانی ری نقش شده است. حیواناتی چون اسب، خرگوش، سگ شکاری، غزال و پرندگان در تزئینات نگارگری ایران زیاد دیده می‌شود، به ویژه نقوش حیوانی روی سفال دوره سلجوقی شامل نقش اسب، پرندگان، شیر و یا سایر حیوانات.

نقوش اسفنج‌سازها، در حاشیه ظروف به کرات دیده می‌شود و سفالگران ری از این نقوش در نگاره‌های خود بسیار به کار برده‌اند. سر انسان، بال عقاب و پیکر شیر ترکیب حیوانی قدرتمند را به وجود آورده است. نیروی تفکر بشر، نیروی جسمی شیر و بلند پروازی عقاب سمبل قدرت و تفکر به شمار می‌رفته است و این طرز کار سابقه‌ای دیرینه دارد.

نقوش گیاهی:

سفالگران سلجوقی از نقوش گیاهی برای پرکردن زمینه نقش‌ها و یا حاشیه ظروف به ویژه ظروف مینایی و زرین فام با ظرافت و زیبایی خاصی استفاده کرده‌اند. هنرمندان





سلجوقی بیشتر از خلاء
پرهیز داشته‌اند و سطح

ظروف را با طرح‌ها می‌پوشاندند. نقوش گیاهی بیشتر به شکل چرخش‌های
اسلیمی و ختایی در زمینه ظرف دیده می‌شود. ترتیب قرارگرفتن
پیچک‌های طوماری به دلیل قدرت طرح‌ها و زیبایی و هماهنگی آنها قابل
توجه است. سبک تزیین و آرایش برگ‌ها در دوره سلجوقی شبیه تزیینات
سفال‌های دوره سونگ در چین است.

خط و کتیبه:

خوشنویسی به منظور تزیین ظروف به صورت کتیبه کوفی از قرن ۳
و ۴ هجری مرسوم و در دوره سلجوقی به اوج پیشرفت رسیده است.
خوشنویسی بر روی ظروف دوره سلجوقی تغییر شکل داده و از کوفی به
نسخ گرایش پیدا کرده است. خط کوفی تنها برای آرایش و کناره ظروف به
کار برده می‌شده است. نگارش آیات و احادیث اسلامی، خدا و رسول و ائمه
اطهار، کلمات قصار بزرگان دین، اشعار زیبا و دل‌نشین شعرای فارسی نیز
در تزیین سفالینه‌های طلایی سهم بسزایی داشته است.

از مقایسه بین تزیین خطوط بر روی سفال‌ها و کتیبه‌های روی بناها
معلوم می‌شود که نگارش روی سفال‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد زیرا
هنرمند خوشنویس روی سفال جای کمتری برای نگارش خط دارد، تا
خوشنویسی کتیبه روی دیوار. در سطح ظروف نیز وی گاهی به نوشتن
یکی دو جمله اکتفا می‌کرده و یا امضاء صاحب اثر را ثبت می‌کرده است.
قدیمی‌ترین شیوه رسم الخط کوفی بر روی کاسه‌ای در ری دیده شده که
نوعی خط کوفی شاخ و برگ‌دار است که تاریخ چند سال قبل از قرن ۹
هجری را برای آن فرض دانسته‌اند. ثلث نویسی نیز در دوره سلجوقی
ترقی یافت و انواع ظروف زرین فام، مینایی یک رنگ، فیروزه‌ای و سفال
بدون لعاب با این دو نوع خط نسخ و ثلث در قرن‌های ۶ و ۷ هجری آراسته
شده‌اند.

نقوش هندسی:

به طور کلی اشکال هندسی در سبک‌های هنری ایران به اندازه سایر
روش‌های هنری رایج نبوده است. شاید علت امر کثرت اشکال انسان،
حیوان و نباتات و در نتیجه بی‌نیازی از اشکال هندسی بر روی ظروف بوده
باشد. به هر حال این‌طور به نظر می‌رسد که تزیین ظروف سفالی با اشکال
هندسی از قرن پنجم هجری در ایران به اوج ترقی رسید و بیشتر برای

آرایش انواع کاشی معرق در موزاییک به کار می‌رفته
است. نقوش هندسی در هنر اسلامی دارای مفهومی ویژه و نشانگر ذهن
خلاق و قدرت بیان هنرمند است. شکل هندسی مورد نظر به نقشه اصلی
که فرضاً یک دایره بزرگ محیطی است منتقل می‌شود و موضوع مهم از
لحاظ زیبایی‌شناسی همانا کیفیت است نه کمیت.

از دیدگاه فلسفه اسلامی این شیوه تطابق با جابه‌جایی و انتقال
تناسبات عمده یک ساختمان در یک دایره محیطی با توحید نشانگر وحدت
سرچشمه و نقطه پایانی به هم رسیدن همه پراکندگی و کثرت‌هاست. پس
شگفت نیست که هنرمند اسلامی همه شکل‌های هندسی وابسته
تقسیمات منظم دایره را بررسی کرده و در نظر آورده است. در هنر تزیینی
چه بر سفال و یا نقش برجسته‌ای بر گنبد، این گونه بررسی‌های هندسی
کاملاً فارغ از جهان مادی جلوه گر می‌شود.

اشکال هندسی که در تزیینات هنر ایرانی به کار رفته عبارتند از:
مثلث، مربع، دایره، مستطیل، هشت ضلعی، پنج ضلعی و غیره. هنرمندان
ایرانی در اصل اشکال و مشبک کردن و ادخال این اشکال درهم موفقیت
شایانی به دست آورده‌اند. یکی از روش‌های کاربرد نقوش هندسی بر روی
ظروف تقسیمات هندسی آنها بوده است. یعنی ظروفی را که نقوش انسان
و حیوان و گیاهان در آن جای می‌گرفته است بدین وسیله از دیگر نقش‌ها
جدا می‌کرده‌اند. علاقه‌مندی به محصور کردن نقوش در اشکال هندسی
در اواخر دوره ساسانی در گچ‌بری‌ها و در پارچه بافی‌ها دیده می‌شود.^۷ در
تزیین حاشیه ظروف علاوه بر خط از نقوش هندسی نیز استفاده
می‌کرده‌اند.

پانویس‌ها:

- ۱- محمدحسن، زکی. صنایع ایران بعد از اسلام. ترجمه محمدعلی خلیلی. چاپ
اقبال ۱۳۲۰. ص ۱۷۵.
- ۲- عباسیان، میر محمد. تاریخ سفال و کاشی در ایران. نشر گوتنبرگ. سال ۱۳۷۰.
ص ۹۰.
- ۳- محمد حسن، زکی. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. صص ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹.
- ۴- بهرامی، مهدی. صنایع ایران. ص ۴۵.
- ۵- چوبک، حمیده. انگارشناسی سفالینه‌های اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
دانشگاه تهران
- ۶- محمدحسن، زکی. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. ص ۲۹۷.
- ۷- پوپ، آرتور، ابهام. شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز ناتل خانلری. ص ۷۸.